

انتشار جدیدترین آلبوم خواننده پیشگام موسیقی پاپ بعد از ۱۵ سال سکوت

لئونارد کوهن؛ صدایی از عشق و اندوه

سعید طاهری؛ لئونارد کوهن شاعر و خواننده پیشگام موسیقی، سیزدهمین آلبومش را با نام «مشکلات عامه‌پسند»، همزمان با تولد ۸۰ سالگی‌اش روانه بازار کرد. شاعر سرودهای عشق و اندوه در این آلبوم نیز، با صدایی گیرا و قدرت کلام، نوستالژی ترانه‌های ماندگار روزهای جوانی‌اش را با طرقداراش تقسیم کرد.

«مشکلات عامه‌پسند» دو سال پس از آلبوم استودیویی دوازدهم او، «پدیده‌های قدیمی»، به بازار آمد. آلبوم جدید کوهن که به مناسبت ۸۰ سالگی منتشر شده، با ۹ ترانه به مدت مجموعاً ۳۶ دقیقه، به بازار آمده و در ترانه‌های آن موسیقی فولکلور ایرلندی، به ویژه سبک «بلوز» و همچنین موسیقی محلی امریکا وجود دارد. کوهن با ترکیب این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که در مسیر هنری خود هنوز به تجربه‌های جدید در موسیقی حرف‌های زیادی برای

گفتن دارد. لئونارد نورمن کوهن نویسنده و خواننده کانادایی در ۲۱ سپتامبر ۱۹۳۴ در مونترال به دنیا آمد. پدرش تاجر پوشاک بود و هنگامی که لئونارد ۹ ساله بود درگذشت. وی ابتدا در رشته ادبیات انگلیسی تحصیل کرد و از دانشگاه مک گیل فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۹۶۱ دومین مجموعه اشعارش را با نام «the spice box of earth» منتشر کرد که باعث شد به شهرت برسد. نکته جالب این که کوهن خودش را شاعر نمی‌داند. او در این مورد گفته است: «صادقانه بگویم به نظر من کلمه شعر کلمه‌ای ساختگی است که عده‌ای منتقد در طول تاریخ به نوعی از نویسندگی اطلاق کرده‌اند. پس اگر خودت را شاعر بدانی وارد منطقه خطر شده‌ای، این کلمه‌ای است که دیگران می‌توانند در مورد نوشته‌های تو به کار ببرند و مسئولیتش



را نیز بر عهده بگیرند.

او تا اواسط دهه سوم عمرش ضبط ترانه را آغاز نکرد و این زمانی بود که نوشتن چند کتاب را به اتمام رسانده بود. به عنوان یک رمان‌نویس و شاعر، دستاوردهای کوهن بسیار جلوتر از باب دین بود. اما صدای یکنواخت او شاید جذابیت کمتری نسبت به صدای دین دارد. وی درباره صدای خود می‌گوید: آدم‌های زیادی تا به حال به من گفته‌اند

این ترانه‌های صوتی که صدای خاصشان حاصل سینگار و دوداست، به درد آواز نمی‌خورد. من همیشه می‌دانستم خواننده خوش صدایی نیستی، ولی به قول یک دوست اگر می‌خواهیم صدای آواز بشنویم، باید برویم به اپرای متروپولیتن! لئونارد کوهن سال‌ها سکوت کرده بود و تنها در کافی‌های که پاتوقش در مونترال بود- دیده می‌شد، اما پس از ۱۵ سال و در ماه می ۲۰۰۸ تصمیم گرفت در لندن دوباره روی سن برود و میکروفن به دست بگیرد و بار دیگر علاقه‌مندان را به وجد آورد. او در همین کنسرت به نقل خاطره‌ای پرداخت و گفت: روزی با استاد موسیقی‌ام در کافی نشسته بودیم که گفت، بیخشد اگر هنوز زنده هستم. حالا من هم به همه شما طرفدارانم که سه نسل صدای مرا زنده نگه داشتید می‌گویم که، بیخشد که هنوز زنده هستم. پیرمرد غمگین در حیاط

بالاخره به همه ثابت می‌شود که تأکیدی به تشابه صدایم با شاد مهر ندارم و سبک و سیاق خودم را پیگیری می‌کنم. حاشیه‌های که نبود. این حرف‌ها هم ازبتم نمی‌کرد به آمده بودم و می‌خواستم شروع کنم. زود بود برای این که بخوام از این چیزها ناراحت شوم. اتفاقاً آن همه‌ای که در مورد این مسئله ایجاد شد در نهایت به نفعم بود. چون سه نوعی حالت تبلیغاتی هم برایم پیدا کرد و باعث این شد که نگاه‌ها به کارم جلب شود. شما وقتی با یک پدیده‌ای روبه‌رو می‌شوی برایت تازه‌گی دارد. اما وقتی زمان می‌گذرد اصل داستان تازه مشخص می‌شود. تازه آن زمان مشخص می‌شود که طرف این کاره هست یا نیست. خیلی‌ها در سینما، موسیقی و فوتبالمند بودند که در زمان کمی کارشان گل کرده اما بعد از مدتی اصلاً دیگر ناپدید می‌شوند. به نظر زمان است که جواب تمام این سؤال‌ها را می‌دهد و خوشبختانه گذشت زمان هم باعث شد که این حاشیه‌ها و حرف‌ها از کار و زندگی من بیرون برود.

استودیو به آن استودیو می‌روم. کنسرت‌های زیادی برگزار کرده‌ام و... همه این‌ها یک وقت‌هایی شما را خسته می‌کند و احساس می‌کنید که دچار روزمرگی شده‌اید. هر شغلی همینطور است، اما این‌ها موقتی است و بالاخره بعد از چند روز آدم دوباره به حوزه کاری‌اش برمی‌گردد و از نو شروع می‌کند.

هیچوقت پیش خودت گفتی ای کاش از ابتدا شش‌مغز را عوض می‌کردم و خوانندگی را تجربه نمی‌کردم؟

نه، چون این کار را دوست دارم. حقیقتش این است که من اشتباهات زندگی‌ام را هم دوست دارم. اگر اشتباهی هم در زندگی‌ام انجام داده باشم آگاهانه بوده و با آغوش باز هم آن را پذیرفتم. کلا هر کاری هم که انجام دادم اول خودم از آن لذت بردم و بعد از آن از مخاطبم خواستم که از این کار لذت ببرد. همیشه هم این سبک کاری جواب بیشتری به من داده است. هر بار خودم از قطعه‌ای رضایت کامل داشتم مخاطب هم با آن قطعه ارتباط بیشتری برقرار کرده است.

تا به حال برعکسش هم برایت پیش آمده است؟ تا به حال شده که از آهنگی رضای نباشی و آن را پخش کنی؟ نتیجه‌اش چه بوده است؟ پیش آمده. البته خیلی کم. مثلاً قطعه «بگو دوستم داری» در آلبوم «خوشبختی» من خودم با این کار ارتباط برقرار نمی‌کردم اما اطرافیانم می‌گفتند خوب است و بگذار در آلبومت باشد. من هم کار را در آلبوم گذاشتم و از این کار نتیجه‌ای هم نگرفتم. برای همین است که می‌گویم اول باید خودت از کار خودت لذت ببری تا دیگران هم لذت ببرند.

بگذریم. در ابتدای فعالیتت تشابه صدایت با صدای شادمهر عقیلی حاشیه‌های زیادی را برایت به وجود آورد. یادم می‌آید که در اولین مصاحبه‌ات گفته بودی که صدایم کم برای مردم جا می‌افتد و

خواننده بی‌سر و صدایی هستی، خیلی در مجامع هنری دیده نمی‌شوی و زیاد هم اهل گفتگو و مصاحبه نیستی. چرا؟ راستش شاید خیلی‌ها فکر کنند که خودم را می‌گیرم یا آدم مغروری هستم ولی اتفاقاً اصلاً چنین شخصیتی ندارم. منتها چون بیشتر آدم درون‌گرای هستم خیلی دوست ندارم شو آف داشته باشم. بیشتر وقتم را یا در خانه هستم یا با دوستانم موزیسینم می‌گذرانم. دوست دارم به جای این که حرفم را در رسانه‌ها و تریبون‌های مختلف بزنم در موسیقی‌ام آن را عنوان کنم. البته در سال‌های ابتدای فعالیتیم اینطور نبود. خیلی مصاحبه می‌کردم و واقعاً برایم جذابیت هم داشت. اما به مرور زمان برایم تکراری و عادی شد و خیلی از وقتم را هم می‌گرفت. برای همین ترجیح می‌دهم الان بیشتر وقتم را روی موسیقی‌ام بگذارم و به کار تمرکز داشته باشم. خودم را یک هنرمند درجه یک نمی‌دانم اما به نظر یک هنرمند حرف‌ش را در کارش می‌زند. اگر کسی مدام در رسانه‌ها تریبون‌ها حضور داشته باشد نشان‌دهنده این است که با چیزی غیر از کارش می‌خواهد خودش را مطرح کند و این به نظر من برای یک هنرمند اصلاً خوب نیست.

گفتگو با حمید عسگری خواننده پر کار موسیقی ایران

اشتباهاتم را دوست دارم

بهنام مظاهری

تا امروز چهار آلبوم تولید کرده و با همان آلبوم اول هم نامش پر سر زبان‌ها افتاد. خیلی‌ها در ابتدا اعتقاد داشتند که تشابه صدایی‌اش با شادمهر عقیلی باعث شهرتش شده اما با گذشت زمان کم‌کم شخصیت متفاوت کاری و هنری‌اش را نشان داد و به دیگران ثابت کرد که می‌تواند کاراکتر مستقل خودش را در عرصه موسیقی داشته باشد. حمید عسگری شاید یکی از معدود خواننده‌های پر کار و بی‌سر و صدای موسیقی ایران باشد. او این روزها مشغول اجرای مراحل نهایی آلبوم پنجمش است و در دو فیلم سینمایی هم به ایفای نقش پرداخته است. برخلاف شنیده‌ها، خواننده‌ای است که کم‌ادعاست و نقد را به کارش وارد می‌داند. صادقانه صحبت می‌کند و اعتقاد دارد که راز موفقیتش در این بوده که همیشه سرش به کار خودش گرم است و سعی می‌کند با موسیقی‌اش حرف‌هایش را بزند.

آلبوم اول، «کما» وقتی وارد بازار شد ظرف مدت کمی موفقیت زیادی به دست آورد. اما آلبوم بعدی‌ات با سه سال تأخیر آماده پخش شد و بعد از آن هم آلبوم‌های بعدی‌ات نتوانستند موفقیت آلبوم اولت را تکرار کنند. فکر می‌کنی چه دلیلی باعث همه این‌ها شد؟

بین کلاً هر خواننده‌ای یک نقطه عطفی دارد و بعضی از خواننده‌ها هستند که این نقطه عطف در کار اولشان رخ می‌دهد. ایرانی و خارجی هم ندارد و این اتفاق برای همه هنرمندان دنیا یک اتفاق طبیعی است. به هر حال همیشه کار اول یک هنرمند یک جذابیتی دارد و درست نیست که باقی کارهای یک هنرمند را با کار اولش مقایسه کرد. هر کاری را باید در زمان خودش و با خودش مقایسه کرد.

اما این اتفاق برای خیلی از خواننده‌های ایرانی افتاده است. آلبوم‌های اولشان بازار را تکان می‌دهد و بعد از آن کارهایشان دچار رخوت می‌شود.

راستش تقریباً همه خواننده‌هایی که کار اولشان خیلی گل کرده معمولاً کارهای بعدیشان با آن مقایسه می‌شود و نمی‌توانند دوباره آن موفقیت را تکرار کنند. اصلاً دلیلی هم ندارد که تکرار کنند. این که کار اول یک هنرمند گل می‌کند به این خاطر است که مردم یک کار نو و جدید می‌شنوند، آن هم از یک هنرمند جدید. بعد از آن هر کاری هم که انجام دهند دیگر برای مردم جذابیت اولیه را ندارد. این دلیل نمی‌شود که بگوییم آن هنرمند کارش ضعیف شده است. هر خواننده‌ای یک آلبوم دارد که از همه آلبوم‌هایش موفق‌تر بوده است. بنابراین من این مسئله را کاملاً طبیعی می‌بینم. شما یادتان نرود که مثلاً در آلبوم «کما ۲» یک قطعه به نام «ستاره» است که اتفاقاً قطعه خیلی موفقی بوده و هست. اصلاً محبوب‌ترین قطعه کل دوران کاری من است. البته منظور شما این است که بین آلبوم اول و آلبوم‌های بعدی به لحاظ کیفی فاصله زیادی نباید باشد و من هم قبول دارم. به هر حال باید تلاش کنیم که این فاصله را کم کنیم.

در مورد خودت اینطور فکر می‌کنی که فاصله سه ساله بین آلبوم اول و دومت به کارت ضربه زد. راستش آن فاصله زمانی نه تقصیر تهیه‌کننده بود و نه کس دیگر. بیشتر تقصیر خودم بود چون آن زمان درگیر کنسرت‌ها و کارهای خودم بودم این فاصله زمانی خیلی زیاد شد. آلبوم اول خیلی موفقی شده بود و من هم وسواسم روی آلبوم دوم بیشتر شده بود و به همین جهت هم اینقدر طول کشید تا به بازار بیاید. این روزها مشغول کارهای نهایی آلبوم پنجمت هستی. به کارنامه کاری‌ات که نگاه می‌کنی وضعیت خودت را چگونه می‌بینی؟ به هر حال از زمان تولید آلبوم اول تا امروز چیزی نزدیک

درست است، مسلماً در طول دوران فعالیتت کارهایت روز به روز کیفیت بهتری پیدا می‌کنند، اما به لحاظ حسی چطور؟ نگو که نمی‌خواهی دوباره آلبومی داشته باشی که همان سر و صدای آلبوم اول را به پا کند. مسلماً همین را می‌خواهم ولی دنبال این نیستم که آلبوم اولم را تکرار کنم. دنبال این هستم که کاری با فضایی جدید و با کیفیت خوب تولید کنم. راستش من دیگر همه کارهایی که باید انجام بدهم را انجام دادم. کنسرت‌های زیادی گذاشتم و تورهای خارجی زیادی هم رفتم. احساس می‌کنم حالا دیگر باید دنبال هدف‌های دیگری در کارم باشم. باید فضای

استودیو به آن استودیو می‌روم. کنسرت‌های زیادی برگزار کرده‌ام و... همه این‌ها یک وقت‌هایی شما را خسته می‌کند و احساس می‌کنید که دچار روزمرگی شده‌اید. هر شغلی همینطور است، اما این‌ها موقتی است و بالاخره بعد از چند روز آدم دوباره به حوزه کاری‌اش برمی‌گردد و از نو شروع می‌کند.

هیچوقت پیش خودت گفتی ای کاش از ابتدا شش‌مغز را عوض می‌کردم و خوانندگی را تجربه نمی‌کردم؟

نه، چون این کار را دوست دارم. حقیقتش این است که من اشتباهات زندگی‌ام را هم دوست دارم. اگر اشتباهی هم در زندگی‌ام انجام داده باشم آگاهانه بوده و با آغوش باز هم آن را پذیرفتم. کلا هر کاری هم که انجام دادم اول خودم از آن لذت بردم و بعد از آن از مخاطبم خواستم که از این کار لذت ببرد. همیشه هم این سبک کاری جواب بیشتری به من داده است. هر بار خودم از قطعه‌ای رضایت کامل داشتم مخاطب هم با آن قطعه ارتباط بیشتری برقرار کرده است.

تا به حال برعکسش هم برایت پیش آمده است؟ تا به حال شده که از آهنگی رضای نباشی و آن را پخش کنی؟ نتیجه‌اش چه بوده است؟ پیش آمده. البته خیلی کم. مثلاً قطعه «بگو دوستم داری» در آلبوم «خوشبختی» من خودم با این کار ارتباط برقرار نمی‌کردم اما اطرافیانم می‌گفتند خوب است و بگذار در آلبومت باشد. من هم کار را در آلبوم گذاشتم و از این کار نتیجه‌ای هم نگرفتم. برای همین است که می‌گویم اول باید خودت از کار خودت لذت ببری تا دیگران هم لذت ببرند.

بگذریم. در ابتدای فعالیتت تشابه صدایت با صدای شادمهر عقیلی حاشیه‌های زیادی را برایت به وجود آورد. یادم می‌آید که در اولین مصاحبه‌ات گفته بودی که صدایم کم برای مردم جا می‌افتد و

خواننده بی‌سر و صدایی هستی، خیلی در مجامع هنری دیده نمی‌شوی و زیاد هم اهل گفتگو و مصاحبه نیستی. چرا؟ راستش شاید خیلی‌ها فکر کنند که خودم را می‌گیرم یا آدم مغروری هستم ولی اتفاقاً اصلاً چنین شخصیتی ندارم. منتها چون بیشتر آدم درون‌گرای هستم خیلی دوست ندارم شو آف داشته باشم. بیشتر وقتم را یا در خانه هستم یا با دوستانم موزیسینم می‌گذرانم. دوست دارم به جای این که حرفم را در رسانه‌ها و تریبون‌های مختلف بزنم در موسیقی‌ام آن را عنوان کنم. البته در سال‌های ابتدای فعالیتیم اینطور نبود. خیلی مصاحبه می‌کردم و واقعاً برایم جذابیت هم داشت. اما به مرور زمان برایم تکراری و عادی شد و خیلی از وقتم را هم می‌گرفت. برای همین ترجیح می‌دهم الان بیشتر وقتم را روی موسیقی‌ام بگذارم و به کار تمرکز داشته باشم. خودم را یک هنرمند درجه یک نمی‌دانم اما به نظر یک هنرمند حرف‌ش را در کارش می‌زند. اگر کسی مدام در رسانه‌ها تریبون‌ها حضور داشته باشد نشان‌دهنده این است که با چیزی غیر از کارش می‌خواهد خودش را مطرح کند و این به نظر من برای یک هنرمند اصلاً خوب نیست.

عکس نوشت

تونبودی که من این جام محبت خوردم از راست به چپ: استاد مرتضی‌خان محجوبی، نوازنده پیانو ایرانی و یکی از بنیان‌گذاران موسیقی ملی ایران به همراه ادیب خوانساری، خواننده، و یکی از بزرگ‌ترین اجراکنندگان آواز کلاسیک ایرانی، بخشی از گنجینه موسیقی معاصر ایران، محصل همکاری این دو استاد است.



خبر

موسیقی کلاسیک در قزوین

«موسیقی کلاسیک در قزوین» عنوان کتابی است از دکتر حسین میثمی پژوهشگر موسیقی که وی در این اثر، موسیقی قزوین در عهد صفویه و قاجار را مورد بررسی قرار داده است. قزوین به عنوان شهری مطرح است که بی‌شک نامش با ناموران موسیقی چون اقبال‌السلطان، عارف قزوینی، سید یحیا مجابی و... پیوند خورده است. خوانش این کتاب به ما می‌آموزد که تمامی آب و خاک کشورمان پیوندی ناگسستنی با موسیقی و هنر دارند. در این اثر تلاش شده به دور از گرایش‌های ناسیونالیستی، تحولات موسیقی قزوین بررسی و تصویر روشنی از این تحولات ارائه شود. این کتاب در پنج بخش به بررسی موسیقی در دوران نخست صفوی، دوران دوم صفوی، دوران سوم صفوی، دوران اول قاجار و دوران دوم قاجار می‌پردازد که روش تحقیق در آن مبتنی بر تحلیل محتوا با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای و مصاحبه است.

در این کتاب در سه مبثت نگرش، رفتار و موسیقی مباحث بسیار خوبی مطرح شده و موضوعات فرهنگی آن، که از جنبش موسیقی است به سمت مباحث مذهبی و فقهی حرکت می‌کند و از سوی دیگر با توجه به این که جنبه‌های اجتماعی و حرفه‌ای یک موضوع عام بوده، این موارد است که موجب می‌شود تحلیل بسیار دشوار شود. این کتاب در ۴۳۶ صفحه و شمارگان دو هزار و ۵۰۰ نسخه، به قیمت ۱۵ هزار و ۹۰۰ تومان، توسط انتشارات سوره مهر چاپ و منتشر شده است.

خبر

مقام موسیقایی با پرورنده موسیقی فیلم‌منتشر شد



کتاب فصل مقام موسیقایی دوره تازه شماره هفتم ویژه موسیقی فیلم از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شد. مقام موسیقایی با پرورنده موسیقی فیلم منتشر شد هفتمین کتاب فصل مقام موسیقایی به سردبیری رضا مهدوی در ادامه موضوع موسیقی فیلم در ایران به موسیقی فیلم در جهان پرداخته و با عنوان صدای شنیدنی به مطالب تازه و خواندنی در عرصه صنعت و هنر سینما و هنر موسیقی در شاخه موسیقی متن با عناوین: عصر طلایی موسیقی فیلم، راهنمای جیبی موسیقی فیلم، رمانس هنوز زنده است، تکه‌هایی از یک زندگی، در قالب مقالات و ترجمه‌ها و مصاحبه‌هایی است که محتوای این شماره را رقم می‌زند.

برای این شماره گفتگوهایی با لوریس چکناوریان و احمد پژمان درباره جایگاه و کارکرد موسیقی در سینما انجام شده است که می‌تواند برای هنرمندان و علاقه‌مندان به موسیقی فیلم جذاب باشد. همچنین گفتگوی خاطره‌انگیز زنده‌یاد بابک بیات با بهرام بیضایی در سال ۷۷ به نقل از مجله صحنه در این شماره گنجانده شده است. هیئت علمی و تحریریه مقام موسیقی متشکل از افرادی چون: احمد پژمان، علیرضا مشایخی، مجید کبانی، شاهین فرهت، محمدرضا درویشی، رضا مهدوی و سهراب حسینی است.

نگاه

از آتشت نشدم گرم و دود کورم کرد



بلکینی

گاهی از جنس دنیاى شعر و موسیقی و ادبیات بودن زجر آور است. گاهی فقط دلت می‌خواهد مخاطب یک آهنگ و موسیقی باشی آن هم از نوع عاشقانه خاص. گوشه‌ای بنشین و با ذهنی خالی از هرگونه دانشی از یک اثر لذت ببری. اما نمی‌شود، به جای آن که این روزها آهنگ‌ها و ترانه‌ها مرم‌هم دلتنگی و اندوه شود بدتر به رنج‌هایمان اضافه می‌کند، انبوه آهنگ‌ها با ترانه‌ها و موسیقی ضعیف که چون سوهان روح آدم را خراش می‌دهند. آه موسیقی... آه ترانه

از آتشت نشدم گرم و دود کورم کرد ترانه‌هایی با ضعف‌های فراوان تألیف و نحو... که گویا زبان قلم‌ساز بر کاغذ آمده که جز کتاب‌های دبستان چیز دیگری نخونده است و این شعرهای بد همراه می‌شود با موسیقی بدتری که روح را به چیخ بنفش وامی‌دهد.

از این بدتر این است که بسیاری از این ترانه‌ها بر پیشانی‌شان مهر تأیید وزارت فرهنگ دارند و تو که می‌دانی شاعران خوبی در شورای شعر وزارت ارشاد حضور دارند، تعجب می‌کنی و انگشت حیرت می‌کزی که مگر می‌شود این ترانه که نه، خیل عظیم این ترانه‌های کودکانه و پر ایراد از زیر دستشان در رفته باشد؟

این شاعران گرانمایه در آنجا مسئول حفظ میراث زبان فارسی‌اند یا مسئول پیدا کردن و حذف توصیفات هیبتی بار و دلدار در شعر؟ آنقدر این روزها اوضاع کیفی موسیقی با کلام بد است که در این رودخانه گلی تا قورباغه‌ای ابوعطی می‌خواند انگار خلق معجزه‌ای روی داده و موسیقی دچار تحول شده است.

این مردمان بنده خدا هم از بس گوش‌هایشان به شعر و آهنگ بد عادت کرده است که تا در این وسط بمی زیر می‌شود و زیری بم دچار هیجان و خلجان روحی می‌شوند. حالشان شبیه دودنشینانی است که تا به قلم‌های می‌رسند و هوای پاک، اکسیژن به آنان نمی‌سازند و ریه‌هایشان درد می‌گیرد، پس بی خیال کوه و کمر می‌شوند و به شهر آهن و دود بر می‌گردند. در این سال‌های اخیر هم کسی برای اصلاح این سلیقه آسیب‌دیده قدمی برنداشته یا اگر هم برداشته در جهت ویرانی بیشتر آن بوده است. به قول کلیم کاشانی: این همسفران پشت به مقصود روانند شاید که بمانم قدمی پیش ترا فتم.

خواننده‌ها و شرکت‌های موسیقی هم که دم به دم این آتش می‌دهند و بر سینما این طبل معیوب محکم‌تر می‌کوبند... آخر کسی نیست به این دوستان بگوید در خواب غفلت ماندن تاکی... برادر عزیز آهنگساز و خواننده و شاعر، خودت پس از شش ماه که بگذرد کار قبلی خود را گوش نمی‌دهی، نمی‌توانی گوش بدهی... ضبط ماشین خودت بلندگوی آثار ماندگار تولیدی دهه‌های پنجاه و شصت و کمی هم هفتاد است... این حرف‌ها و هشدارها و تلنگرها را امثال من سال‌هاست از پشت انواع تریبون‌ها زده‌اند من هم از این رو تکرار کردم که با این یادداشت یک نفر از خواب خرگوشی‌اش حداقل بر خیزد که اگر تکلانی از روی درد هم به خود بیورد خیلی است...

خبر

مقام موسیقایی با پرورنده موسیقی فیلم‌منتشر شد

کتاب فصل مقام موسیقایی دوره تازه شماره هفتم ویژه موسیقی فیلم از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شد. مقام موسیقایی با پرورنده موسیقی فیلم منتشر شد هفتمین کتاب فصل مقام موسیقایی به سردبیری رضا مهدوی در ادامه موضوع موسیقی فیلم در ایران به موسیقی فیلم در جهان پرداخته و با عنوان صدای شنیدنی به مطالب تازه و خواندنی در عرصه صنعت و هنر سینما و هنر موسیقی در شاخه موسیقی متن با عناوین: عصر طلایی موسیقی فیلم، راهنمای جیبی موسیقی فیلم، رمانس هنوز زنده است، تکه‌هایی از یک زندگی، در قالب مقالات و ترجمه‌ها و مصاحبه‌هایی است که محتوای این شماره را رقم می‌زند.

برای این شماره گفتگوهایی با لوریس چکناوریان و احمد پژمان درباره جایگاه و کارکرد موسیقی در سینما انجام شده است که می‌تواند برای هنرمندان و علاقه‌مندان به موسیقی فیلم جذاب باشد. همچنین گفتگوی خاطره‌انگیز زنده‌یاد بابک بیات با بهرام بیضایی در سال ۷۷ به نقل از مجله صحنه در این شماره گنجانده شده است. هیئت علمی و تحریریه مقام موسیقی متشکل از افرادی چون: احمد پژمان، علیرضا مشایخی، مجید کبانی، شاهین فرهت، محمدرضا درویشی، رضا مهدوی و سهراب حسینی است.